

Received: 2023/8/23

Accepted: 2024/4/28

from 113 to 133

Seyed Mostafa Managheb

Assistant Professor of Quran and
Hadith Sciences Department
Payam Noor University Tehran
Iran, (corresponding author).
Dr.managheb@pnu.ac.ir

Naser Momeni

Associate Professor, Department
of Islamic Philosophy and
Theology, Payam Noor University
Tehran Iran.
Nmomeni73@pnu.ac.ir

Alireza Movafagh

Assistant Professor of the
Department of Islamic Education
Payam Noor University Tehran
Iran.
Movafagh@pnu.ac.ir

Zeinab Salari

Doctoral student of Quran and
Hadith Sciences, Payam Noor
University, Tehran, Iran.
Z.salari78@student.pnu.ac.ir

Keywords:

Monotheism, God, education,
prophesy, Day of Judgment.

Quranic Pedagogical Approach in Cultivating Belief in Monotheism: A Focus on the First Ten Surahs in the Order of Revelation

Abstract

Education stands as a cornerstone of human existence, a tool wielded by prophets to steer individuals towards happiness. Their main endeavor in educating is the transition from polytheism to monotheism. Thus, this inquiry aims to elucidate the Quranic approach to nurturing monotheistic beliefs within the initial ten surahs of the Holy Quran, employing the Tanzeeli interpretation method through a comprehensive library research framework. The Quran's pedagogical framework is designed to cultivate monotheistic understanding in both belief and practice, fostering personal and communal devotion. What sets apart the Quranic method from other research in this field is its profound resonance with human nature, initially reminding humans of their weaknesses such as the worthlessness of their primary material existence and inherent ignorance, thus emphasizing the need for humans to commence their journey with a reverence for the Divine. The Holy Quran employs two educational methods, providing insight and motivational approaches to internalize belief in monotheism. By using commonsense reasoning, it deduces the monotheism inherent in creation and the monotheism of lordship, resulting in the worship of the singular deity (monotheism of worship), and by delving into the attributes of God, weaves together lordship and servitude, presenting a divine worldview by considering the origin of creation, the afterlife, and the validation of prophet hood. Ultimately, through motivational methods and utilizing both threats and enunciation, it focuses on human education. Initially, by describing the fate of the deniers, portraying the characteristics of the Day of Judgment, depicting the state of disbelievers in the hereafter, and illustrating the fate of previous humans, it addresses its audience with threats, then, using the tool of enunciation, it encourages individuals towards embracing monotheism, fostering a deeper connection with the divine.

روش تربیتی قرآن در نهادینه کردن باور به توحید با محوریت ده سوره اول بر اساس ترتیب نزول

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۹
از صفحه ۱۱۳ تا صفحه ۱۳۳

چکیده

تربیت از مهم‌ترین نیازهای حیات انسان است که انبیا الهی برای رساندن انسان به سعادت از همین طریق استفاده نموده‌اند. راهبرد اصلی ایشان در تربیت انسان

هدایت از شرک به سوی توحید بوده است. هدف این پژوهش ترسیم روش تربیتی قرآن در نهادینه کردن باور به توحید در ده سوره نخست نازل شده با استفاده از شیوه تفسیر تنزیلی (کتابخانه‌ای) می‌باشد. روش قرآن در تربیت انسان، رسیدن به شناخت توحیدی در زمینه اعتقاد و عمل است تا به عبودیت فردی و اجتماعی برسد. آنچه افزون بر دیگر پژوهش‌ها در این زمینه به دست آمده روش قرآن است که با انسان همگام شده و ابتدا نقاط ضعف انسان از جمله بی ارزش بودن ماده اولیه خلقت وی و جهل وی را یادآور شده، بنابراین انسان نیازمند است که با اسم ربّ زندگی خود را آغاز نماید. قرآن از دو روش تربیتی اعطای بینش و روش انگیزشی برای نهادینه کردن باور به توحید استفاده نموده است. با استفاده از استدلال عقلی به توحید خالقیت و توحید ربوبی، توحید عبادی را نتیجه گرفته، و با استلال به صفات خداوند، ربوبیت و عبودیت را منحصر در وی نموده و با توجه دادن به مبدأ آفرینش، معاد و اثبات نبوت به ارائه جهان‌بینی الهی پرداخته است. در نهایت با روش انگیزشی و استفاده از دو محرک تهدید و بشارت به تربیت انسان پرداخته است. ابتدا با بیان عاقبت مکذبین، بیان اوصاف روز قیامت، ترسیم حال کفار در آخرت و بیان عاقبت مکذبین از اقوام گذشته به تهدید مخاطبان خود پرداخته و سپس با استفاده از ابزار بشارت، به تشویق مردم به ایمان آوردن به توحید پرداخته است.

سید مصطفی مناقب
استادیار گروه علوم قرآن و حدیث،
دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (نویسنده
مستول).
Dr.managheb@pnu.ac.ir

ناصر مؤمنی
دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی،
دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
Nmomeni73@pnu.ac.ir

علیرضا موفق
استادیار گروه معارف اسلامی،
دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
Movafagh@pnu.ac.ir

زینب سالاری
زینب سالاری دانشجوی دکتری
علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام
نور، تهران، ایران.
Z.salari78@student.pnu.ac.ir

واژگان کلیدی:

توحید، ربّ، تربیت، نبوت، معاد

قرآن زمانی برای هدایت مردم نازل شد که سنت‌ها، آداب و ارزش‌های ضداخلاقی، بر جامعه آن روز جزیره العرب حکومت می‌کرد، کفر و شرک و خرافه، اندیشه غالب اعراب جاهلی بود. از لحاظ اجتماعی شخصیت و حقوق هر کس در انتساب با قبیله‌اش تعریف می‌شد، اگر کسی ارتباط قبیله‌ای نداشت حتی قوانین ماه امن و شهر امن هم برایش رعایت نمی‌شد. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ص ۷۶؛ کلبی، ۱۳۳۲، ج ۱، ص ۹؛ فاکهی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۶۱) گرچه در دین میراث ابراهیم خلیل به آنها رسیده بود اما تبدیل به خانه اصنام متعلق به هر قبیله شده بود. همه اینها برگرفته از اندیشه و جهان‌بینی آنان بود که مبتنی بر نوعی انحراف در شناخت انسان، خدا و جهان هستی بود. با نزول قرآن، به یکباره همه چیز فروریخت و به جای گروه بندی قبیله‌ای گروه بندی جدید و مفاهیم نوینی بوجود آمد و اندیشه اجتماعی جدیدی شکل گرفت. به قول پروفیسور ایزوتسو: تنها فکر الهی است که در تمام اندیشه قرآنی حکومت می‌کند و تنها خداوند است که در تمام قرآن سخن می‌گوید و اندیشه خود ارائه می‌دهد او در قلب و مرکز جهان هستی قرار دارد. (ایزوتسو، ۱۳۹۸، ص ۹۱)

از آنجا که مسأله توحید زیربنای شناخت تمام صفات خدا و نیز چون مهمترین عامل تکامل در جهان انسانیت وحدت جامعه بشری است و تربیت اخلاقی نیز در سایه توحید میسر است؛ در این پژوهش هدف این است که به بررسی شیوه‌های تربیتی قرآن در نهادینه کردن توحید پرداخته شود.

برای کشف روش تربیتی قرآن باید به نزول تدریجی وحی توجه داشت تا گام‌های منسجم تربیت فردی و اجتماعی را در سیر هدایتی و تربیتی سوره شناسایی کرد. از سبک‌های نوظهور در تفسیر قرآن، سبک تفسیرتنزیلی می‌باشد. نمونه بارز این سبک تفسیر «همگام با وحی» اثر عبدالکریم بهجت‌پور می‌باشد. نازل شدن آیات در کنار حوادث، ورود به چالش‌ها با اصحاب عقاید، راهبری اجتماعی و تدریجی مسلمانان تا تشکیل حکومت اسلامی و آسیب‌شناسی مسائل حکومت دینی نشان از انگیزه‌های تربیتی دارد که در نزول قرآن مورد توجه خدای حکیم بوده است. استفاده از این سبک دو فایده دارد: به دست آوردن روش‌های تحول دینی و کشف مراحل درونی شدن مفاهیم دینی.

در این پژوهش ترتیب سوره‌ها طبق روایت ابن عباس و تکمیل آن مطابق روایت جابربن زید، که با تصحیح از روی نسخه‌های متعدد قابل اعتماد است، استفاده شده است. (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۸۸) پژوهش‌هایی در رابطه با این موضوع نگاشته شده است اما اکثراً به صورت موضوعی و محدود به بررسی این اصل مهم اعتقادی در قرآن پرداخته‌اند.

- عبدالکریم بهجت‌پور در مقاله خویش (روش طرح توحید در قرآن) کشف روش طرح توحید در قرآن مرهون توجه به سیر ترتیب نزول سوره‌ها می‌داند. ایشان در مقاله خود به این نتایج دست یافته است: قرآن با محوریت توحید پرستش به مقوله خدا پرداخته و با رویکردی تربیتی مباحث

توحیدی را پیگیری نموده است. (بهجت‌پور، ۱۳۸۹، ص ۷۵) ایشان در پژوهش خود به صورت کلی و بدون پرداختن به جزئیات به بررسی روش طرح توحید در قرآن پرداخته است.

- عبدالکریم بهجت‌پور و محمد سلطانی در مقاله‌ای با عنوان (روش طرح مفهوم ربوبیت در قرآن با محوریت پنج سوره نخست نازل شده) این نتایج را به دست آورده‌اند: محوری‌ترین مساله در طرح ابتدائی مساله توحید، توحید ربوبیت است. رب مقدمه‌ای برای طرح دیگر اسما و صفات الهی می‌باشد و مباحث رسالت، معاد و جزا و نیز مباحث اخلاقی همگی در بستر ربوبیت خداوند مطرح می‌گردند. (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۳۳) سیداسحاق حسینی کوهساری نیز در مقاله (کاربست توحید ربوبی در تربیت انسان از منظر قرآن کریم) به ترسیم فرایند تربیت انسان بر مبنای توحید ربوبی در سه مرحله‌ی تکیه بر شعور فطری انسان، تشکیل شاکله انسان بر عبودیت و تاکید بر عدم استقلال عالم هستی، پرداخته است. (حسینی کوهساری، ۱۳۹۵، ص ۶۳) این دو پژوهش با تکیه بر توحید ربوبی از دیگر روش‌های تربیتی مورد استفاده در قرآن غافل گشته‌اند.

این پژوهش در پی کشف چگونگی تحول همه جانبه فرهنگی و اسلامی در پرتو تربیت قرآن کریم در ده سوره نخست نازل شده است، کشف و بررسی روش تربیتی و ارشادی قرآن به صورت تدریجی و همگام با نزول وحی صورت گرفته است. جنبه نوآوری آن، کشف روشی است که تاکنون دیگر پژوهش‌های در این موضوع به آن اشاره نکرده‌اند: قرآن برای تربیت توحیدی انسان با وی همگام شده است و قدم به قدم با یاد آوری نقاط ضعف وی به هدایت و تربیت وی پرداخته است. طی جست و جویی که انجام شد پژوهشی با این روش تحقیق در محدوده یاد شده، به گونه‌ای که به جزئیات آیات پرداخته باشد، یافت نشد. پژوهش حاضر با دسته بندی منظم آیات به ترتیب نزول، به بررسی جزئیات روش تربیتی قرآن در ده سوره نخست نازل شده پرداخته است.

۲- روش تربیتی قرآن در نهادینه کردن توحید

تعلیم و تربیت مجموعه منظمی از اعمال و رفتار است که هر مربی آنها را آگاهانه برای رسیدن به هدفی ارزشمند، از میان انبوهی اعمال و رفتار که بر هر یک آثاری مترتب است برمی‌گزیند. (شکوهی، ۱۳۶۷، ص ۳۵) برای تحقق هر عمل اختیاری انسان پنج مرحله لازم است: اول شناخت و معرفت، دوم ارزشیابی، سوم میل و انگیزه، چهارم عزم و اراده، پنجم رفتار و عمل. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۶۲۳) که در سه مرحله خلاصه می‌شوند: مرحله شناخت با ارزشیابی و مرحله عزم با عمل ادغام می‌گردد. در ده سوره ابتدای نزول قرآن دو روش تربیتی اعطای بینش و روش انگیزشی بیشترین کاربرد را دارد:

۳- روش اعطای بینش (جهانبینی توحیدی)

این روش ناظر به نگرش انسان به جهان، اندیشیدن در مورد انواع موجودات هستی و نیز اندیشه در مورد خالق آنها است. این مبحث تحت عناوین کلی همچون جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، شناخت ارزش‌ها و... و موضوعات جزئی‌تر ذیل مولفه‌هایی همچون مبداءشناسی،

معادشناسی و... مورد بحث قرار می‌گیرد. از نظر علامه طباطبایی توحید یک جهان‌بینی و نگرش جامع به هستی و هستی‌شناسی عمیق است. (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۳) براساس جهان‌بینی توحیدی موجودات جهان با نظامی هماهنگ به طرف یک مرکز تکامل می‌یابند. انسان در میان موجودات از شرافت و کرامت مخصوص برخوردار است و مسئول تکمیل و تربیت خود و جامعه خویش است. (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۸) از آنجا که تفاوت انسان با سایر موجودات در دارا بودن قوه تعقل است؛ لذا خداوند او را در مسیر اندیشیدن هدایت می‌کند و برای اعطای بینش به انسان از روش استدلال عقلی استفاده نموده است. در این روش سعی بر آن است که تلقی آدمی از امور دگرگون شود. ایجاد دگرگونی در تلقی افراد، از جمله لوازم قطعی تغییر رفتارها و اعمال آنهاست. (باقری، ۱۰۴، ۱۳۸۹)

۳-۱-۱- استدلال عقلی

در روش استدلالی با استدلال به توحید خالقیت و توحید ربوبی، توحید عبادی را نتیجه گرفته و با استدلال به صفات خداوند، ربوبیت و عبودیت را نیز منحصر در خدای متعال نموده است. همچنین با توجه دادن به معاد و اثبات نبوت به ارائه جهان‌بینی الهی و ایجاد شناخت صحیح در انسان نموده است.

۳-۱-۱- اثبات ربوبیت الهی با توجه دادن به مبدأ

تربیت از ابتدائی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای حیات انسان است. راهبرد اصلی انبیا در تربیت انسان، خارج ساختن او از مدار شرک و قرار دادن در دایره توحید است. از آنجایی که عمده شرک در حیات انسان از ناحیه ربوبیت خداوند است می‌توان از توحید ربوبی به عنوان اساسی‌ترین آموزه انبیا در مسیر تربیت انسان یاد کرد و بیان داشت که محل اصلی نزاع انبیا با دیگران نیز بر سر همین امر بوده است. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۸۱؛ عسکری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۴)

توحید دارای مراتبی است که اولین مرتبه آن توحید ذاتی، سپس توحید صفاتی و افعالی، و بالاترین مرتبه، توحید در عبادت است. (سبحانی، ۱۳۸۳، ص ۷۵) ریشه توحید قرآنی، توحید در خالقیت است و تنه اصلی‌اش توحید در ربوبیت می‌باشد که به توحید عملی منتهی می‌شود. لغویون و مفسران می‌گویند "ربّ" با واژه "تربیت" مرتبط است. کتاب‌هایی همچون لسان‌العرب و تاج‌العروس بعضی مشتقات واژه تربیت مانند "ربب"، "تربب"، "مرّبی" و "ترّبی" را به رغم اینکه از دو ریشه متفاوت "ربب" و "ربو" هستند در کنار هم ذکر کرده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۹۹؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴) اما در واقع بین دو واژه "ربّ" و "مرّبی" تفاوت‌هایی وجود دارد.

«ربّ» از ریشه «ربب» به معنای مالکی است که امر مملوک خود را تدبیر کند. (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۷۹) معنای مالک در کلمه ربّ خوابیده و ملک یک نوع اختصاص مخصوص است که به خاطر آن اختصاص، مملوک قائم به مالک است و لازمه آن صحت تصرفات است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۱) اما «مرّبی» از ریشه «ربو» به معنای تربیت کننده که گاهی آن را صاحب اختیار ترجمه

می‌کنند و این به تنهایی رساننده معنای ربّ نیست گویا در کلمه رب هم مفهوم صاحب اختیاری نهفته است و هم معنای تکمیل کننده و پرورش دهنده. بنابراین صاحب اختیار و کمال‌رسان همه عالم است. (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۹۰) ربّ علاوه بر صاحب اختیار بودن، مالک نیز هست و محدودیت‌های زمانی و مکانی و بُعدی را ندارد، در حالی که مربی دارای این محدودیت‌ها است، بنابراین می‌توان گفت ربّ اعم از مربی است.

خداوند در سوره مکی در مناسبت‌های گوناگون، حقیقت وجود خود را به عنوان تنها صاحب اختیار شایسته اطاعت معرفی نموده است. ابتدا به موضوع هستی‌شناختی، شناخت مبدأ و نقش مبنایی آن در تعلیم و تربیت اشاره کرده است: در سوره علق به تبیین علت انحصار ربوبیت به خدای متعال و ضرورت اطاعت‌پذیری از پروردگار پرداخته است تا بدینگونه رابطه انسان با پروردگار بر مدار بندگی خالصانه تنظیم شود. «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» (علق: ۱ و ۲) در سوره اعلی که هشتمین سوره نازل شده می‌باشد به وصف تدبیر الهی در عالم هستی پرداخته تا برهانی باشد بر ربوبیت مطلق او: «الَّذِي خَلَقَ قَسْوَى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهْدَى» (اعلی: ۲ و ۳) همه چیز را با اندازه مخصوص خلق کرده و همه چیز دارای هدایت ربّانی و تکوینی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۶۵)

در سوره مزمل با ردّ عقاید مشرکین، تدبیر خداوند را تعمیم داده به تمام هستی و آن را مقدمه‌ای بر یگانگی خداوند در الوهیت و عبودیت قرار داده است. «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا» (مزمل: ۹) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۶۵) تعبیر «رَبِّ الْعَالَمِينَ» (حمد: ۱، تکویر: ۲۹) به معنی پروردگار تمامی ماسوی الله می‌باشد. (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۰؛ شبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۸) علامه ربّ را مالکی می‌داند که امر مملوک خود را تدبیر می‌کند و مالکیت او حقیقی است. همه موجودات هم در هستی و هم در آثار هستی نیز نیازمند و محتاج به ربّ هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۹)

«خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» (علق: ۲) در این آیه به مبانی انسان‌شناختی وارد شده تا یادآوری کند که به تمام حالات مخاطبان خود آگاه است زیرا از مولفه‌های مهم در تعلیم و تربیت، آگاهی کامل از حالت‌های مختلف به ویژه حالات روحی و روانی متربی است. این آیه هم به مبدأ خلقت انسان و هم به تدریجی بودن کمال او نظر دارد. خداوند او را آفریده از این جهت در مرتبه اعلی قرار دارد و نیز از خون بسته شده (علق) آفریده شده است یعنی تا رسیدن به کمال مطلوب راه درازی در پیش دارد. (می‌رسید، ۱۴۰۰، ص ۱۱۰) با بیان مبدأ آفرینش انسان (نطفه به خون چسبنده) قدرت‌مایی عظیم پروردگار روشن می‌شود که از چنان موجود کم‌ارزشی، چنین موجود باارزشی آفریده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۵۶) تربیت مستمر خداوند از لحظه‌ای که انسان به صورت علقه در می‌آید تا زمانی که به تدریج به انسانی تام‌الخلق تبدیل می‌شود، ادامه دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۲۲) خداوند در نخستین آیات نازل شده، آفرینش انسان را که جزئی از مخلوقات است مثال زده چون تکوین یافتن انسانها از خون جامد به دست خداوند، شاهد و دلیل ربوبیت او بر آنان است. توجه دادن انسان به عنصر خلقت وی، پیامدهایی چون تفکر و تعقل در

قدرت عظیم الهی دارد که موجب ایمان به یگانگی خداوند در خلقت و تدبیر می‌شود. اهمیت خلقت انسان از علق تا آن حد است که در قرآن سوره‌ای به این نام آمده است.

۳-۱-۲- معرفی مهم‌ترین اصل ارزشی دین اسلام (توحید عبادی)

قرآن کریم از ابتدای نزول در موقعیت‌های مناسب اصول و مبانی ارزشی خود را اعلام نموده است. در این میان توحید در عبودیت مهم‌ترین اصل ارزشی دین اسلام می‌باشد. (بلاغی، ۱۴۲۰، ص ۵۷) از جمله مهم‌ترین رسالت‌های انبیای الهی جهت تربیت توحیدی افراد این بوده است که راه درست اشباع حس پرستش را به ایشان بیاموزند. چرا که به شهادت تاریخ هیچ انحرافی همانند انحراف در عبادت انسان‌ها را به ورطه هلاکت و تن دادن به هر گونه ذلت نکشاند است. توحید افزون بر جنبه اعتقادی، یک طرح و الگوی کامل رهایی‌بخش و تحول‌آفرین در تمام ابعاد زندگی انسان و جوامع بشری است. بنابراین قرآن علاوه بر تربیت فردی بر تربیت جمعی نیز نظر دارد.

توحید یعنی انحصار الوهیت، ربوبیت، قیومیت، سلطنت و حکومت به خداوند از طریق جای دادن عقیده او در ضمیر و بجا آوردن عبادت او در شعائر و به کارگیری شریعت او در واقع زندگی، زندگی بشر چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی باید از تمام جهات به خداوند ارجاع داده شود. بنابراین اسلام نمی‌تواند در یک تئوری محض تجسم پیدا کند. (سید قطب، ۱۳۸۷، ص ۳۴)

برای تحقق جامعه توحیدی، قرآن کریم ابتدا در آیات ۹ الی ۱۹ سوره علق منکرین مبانی ارزشی خود را توبیخ نموده و پذیرش اصول ارزشی خود را بدیهی و مبتنی بر عقل و فطرت سلیم قلمداد نموده است. در سوره علق خداوند با اعطای بینش شناختی و معرفی مبدأ آفرینش هستی و در پی آن ربوبیت خداوند متعال، توحید عبادی را نتیجه گرفته و عبادت را منحصر در خالق و ربّ نموده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۵۱۹) رسولش^(ص) را با عنوان عبد یاد نمود «عبدالذاصلی» (علق: ۱۰) تا مقدمه‌ای باشد برای امر به عبادت. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۲۵) و در انتهای این سوره پیامبر^(ص) را از اطاعت جامعه مشرکین نهی و در واقع امر به تشکیل جامعه توحیدی نموده است: «كَلَّا لَا تُطَعُّهُ وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ» (علق: ۱۹) در سوره مزمل نیز از زاویه شب زنده‌داری به پیوند انسان با خداوند پرداخته است: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» (مزمل: ۴-۲)

در سوره حمد انسان از طریق توحید ربوبی و شناخت اوصاف الهی، به حکم عقل و استدلال، بندگی خدا را می‌پذیرد و از توحید نظری به توحید افعالی می‌رسد: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» (نفی شرک عبادی) «وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد: ۵) (نفی شرک ربوبی) در ادامه به وصف راهی که ختم به جامعه توحیدی می‌شود، پرداخته است «الْهُدَىٰ الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ...» (حمد: ۶) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۸؛ مطهری، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۱)

قرآن کریم در مسأله توحید در عبادت بر این امور تکیه نموده است: الوهیت، مالکیت، خالقیت و ربوبیت. یعنی تنها آن موجودی شایسته پرستش است که دارای صفات مزبور باشد و

چون صفات یاد شده جز در خداوند یافت نمی‌شود، بنابراین پرستش تنها شایسته او است. قرآن در تربیت توحیدی تنها به جنبه اعتقادی آن اکتفا نمی‌کند و به دنبال عملی کردن آن در زندگی انسان نیز می‌باشد. توحید عبادی علاوه بر رویکرد به تربیت فردی، دارای رویکرد تربیت اجتماعی نیز می‌باشد. لازمه چنین فهمی از توحید، حاکمیت مطلق الله، عدم اکتفا به وضعیت موجود و تلاش برای رساندن جامعه به هدف اصلی آفرینش (عبادت) و در نهایت تحقق جامعه توحیدی است.

۳-۱-۳- توجه دادن به صفات خداوند

وصف بی نقص خداوند از خود، انسان را در شناخت صحیح او یاری می‌دهد تا در نهایت به خشوع، خلوص و کمال برسد، بدینگونه نقش مثبت و سازنده‌ای در گفتار، روش و منش انسان و بالطبع در تربیت فردی و اجتماعی او ایفا می‌کند. باور به صفات خداوند اثر تربیتی و بازدارنده در زندگی دارد.

خداوند در رابطه با انسان، دارای دو نقش اساسی است: خالقیت و دیگری که مهم‌تر است ربوبیت. اولین توصیفی که از خود ارائه داده، مربی و سپس خالق بودن است: «رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق: ۱) سپس به وصف ربوبیت خود پرداخته: «رَبُّكَ الْأَكْرَمُ» (علق: ۳) بدون استحقاق عطا می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۲۴) و نخستین معلم است «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق: ۴) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۵۹)

عالم بی‌انتهای به ظاهر و باطن هر چیز است «إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ...عِلْمَان لَنْ تَحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ...» (مزمّل: ۲۰) زیرا خلقت و تدبیر منتهی به اوست «وَاللَّهُ يَقْدِرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ» (مزمّل: ۲۰) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۷۴) از نظر تربیتی علم خداوند به حالات بندگان، بهترین انگیزه برای انجام کارهای نیک است (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۲۸۰) و نیز موجب می‌شود تا انسان مؤمن خود را در یک امنیت همه‌جانبه احساس کند. همچنین خداوند با تأکید بر علم و آگاهی خود، عاملی بازدارنده از گناهان برای انسان ایجاد می‌کند. در انتهای آیه خداوند را وصف به غفور و رحیم بودن کرده است. «غفور» به معنای پوشانیدن چیزی از آلودگی‌ها است، در مورد خداوند به معنای آمرزش و پوشانیدن گناه است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۰۹)

«هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ» (مدثر: ۵) چون ولایت مطلقه بر هر چیز دارد، سزاوار است برای او شریک قرار داده نشود. (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۴۹) اعتقاد به رحمت الهی، انسان را از ناامیدی نجات و روح امیدواری و نشاط در او می‌دمد. به همین جهت خداوند در ادامه معرفی خود جهت تربیت بندگان دو صفت رحمانیت و رحیمیت خود را بیان نموده: رحمت کثیری که

شامل حال عموم موجودات و انسان‌ها می‌شود و رحمت خاصی که در آخرت تنها بمؤمنین اضافه می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵؛ طوسی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۹)

«مالک یوم الدین» (حمد: ۴) دارای مالکیت و سلطنت حقیقی است. (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰) اوصاف الهی در سوره حمد، دلالت بر اختصاص حقیقت حمد بر ذات خدای متعال دارد. (حسینی‌شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۹)

تنها کسی شایستگی معبودیت را دارد که دارای صفت ربوبیت و خالقیت باشد، در عین حال بدون استحقاق عطا می‌کند و عالم بی انتها به ظاهر و باطن همه چیز است و ولایت مطلقه بر همه چیز دارد. شناساندن صفات خدا یکی از روش‌های کار آمد در رشد و ارتقای معرفت و اعتقاد به خداوند است و مزایای خاصی دارد، این مفاهیم قابل درک برای اکثر انسان‌ها است، زیرا در این روش از براهین پیچیده فلسفی و کلامی استفاده نشده است، همچنین تصورات نادرست نسبت به خدا در ذهن مخاطب ایجاد نمی‌شود و نیز علاقه و محبت به خدا را در متریان ایجاد می‌کند و موجب تشخیص وظیفه در برابر خداوند است و اعمال انسان را جهت می‌دهد.

۳-۱-۴- توجه دادن به معاد

عامل دیگری که در تربیت آحاد جامعه نقش موثری را ایفا می‌کند ایمان به معاد است. اعتقاد به معاد، نگرش انسان را به دنیا تغییر داده، دنیا را ابزاری در جهت نیل به اهداف والای انسانی قرار می‌دهد. از مهم‌ترین ثمره‌های تربیتی اعتقاد به معاد، استوارسازی سلوک انسان در این جهان، معنابخشی به زندگی و رهایی از پوچ‌گرایی است. در سایه باور به معاد، عمل به تکالیف الهی آسان می‌شود. چنین اعتقادی، ضامن اجرای تمام قوانین الهی و انگیزه اصلی تهذیب نفوس می‌باشد. پس از مسئله توحید، معاد را می‌توان مهم‌ترین مسئله دینی و اسلامی دانست که از ضروریات دین اسلام و پذیرش آن بر هر مسلمانی واجب است. از آیات ده سوره نخست نازل شده چند دلیل بر اثبات معاد استفاده می‌شود:

۳-۱-۴-۱- برهان حکمت در اثبات معاد

ایمان به معاد انسان را در مسیر تربیت و تکامل قرار می‌دهد و او درمی‌یابد که با مرگ، تنها حیات مادی به پایان می‌رسد؛ اما روح باقی می‌ماند و به سرای دیگر به زندگی ادامه می‌دهد. خداوند برای اثبات این باور ابتدا از برهان حکمت استفاده نموده است. جهان، فعل خداوند حکیم است، بنابراین بدون غایت نخواهد بود. هیچ چیز در جهان حالت ثبات و قرار ندارد، بلکه یک‌پارچه به حرکت و تغیر است، و ثبات و قرارهای آن موقت و مقطعی است. بنابراین، اگر در ورای حیات این جهان متغیر، حیاتی ثابت و لایتغیر وجود نداشته باشد، هیچگاه به غایت نهایی نخواهد رسید، و در نتیجه آفرینش این جهان بدون غایت و بیهوده خواهد بود؛ لیکن

چون آفریدگار جهان، حکیم است و فعل او بدون غایت نمی‌باشد، بنابراین حیات دنیوی غایتی دارد که همان حیات اخروی است. (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۶۰)

در سوره علق تاکید می‌کند که انسان و هستی و تمام نعمت‌هایی که به انسان داده شده است هدف دار و به سوی خداست «إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ» (علق: ۸) و حتی پس از مرگ نیز نیاز به تدبیر خداوند دارند زیرا دوباره زنده می‌شوند مورد محاسبه قرار می‌گیرند. همچنانکه بر اساس قانون پایستگی انرژی اگر حتی بدن ما تبدیل به انرژی شده باشد دوباره عیناً به ماده تبدیل شده و زنده خواهد شد (معاد جسمانی).

در انتهای سوره اعلیٰ آخرت و جهان دیگر را برای کسانی موجب سعادت و خیر می‌داند که ایمان به توحید داشته باشند و عامل به دستورات رسول خدا^(ص) باشند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۴، ص ۳۳۹ و ۲۱۴؛ قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۵۳۶)

۳-۱-۴-۲- برهان عدالت

ایمان به معاد تذکر می‌دهد که همه چیز در جهان آخرت بر اساس ضوابط الهی دور می‌زند، مأمورین الهی جز عدالت عملی انجام نمی‌دهند، مواقف آن عالم هرگز محکوم بوروکراسی نخواهد بود. زیرا آن جهان، جهان کسر و انکسار و دار تکلیف نیست. آری اگر این تذکرات مؤثر افتد و به مرحله باور و حتی احتمال مورد اعتنا برسد برای تربیت انسانی کافی است، زیرا دفع ضرر محتمل، واجب عقلی است. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۱۰)

انسان با استعدادهای فراوان خلق و مواهب طبیعت در اختیار وی قرار گرفته است، دارای اراده‌ای مستقل است که می‌تواند به انتخاب خود سعادتمند یا گمراه شود. پیامبران برای هدایت انسان گسیل گشته‌اند و در این زمینه نیز انسان‌ها دارای قدرت انتخاب هستند: «فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَىٰ سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَىٰ وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَىٰ» (اعلیٰ: ۱۰ و ۱۱) «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ» (لیل: ۱۲) اما اینگونه نیست که این دو دسته عاقبت یکسانی داشته باشند، بنابر عدل الهی مومنان به پاداش و منکران به کیفر می‌رسند. «أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (قلم: ۳۵ و ۳۶) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۴۰۹) در ابتدای سوره تکویر به بیان دگرگونی‌های عظیم آغاز رستاخیز و نشانه‌های قیامت پرداخته و تذکر داده به این نکته که عمل انسان گم نمی‌شود و او در فرجام حیات با اعمال خود مواجه می‌شود. «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ... وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ... عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا أَحْضَرْتِ» (تکویر: ۱ الی ۱۴) (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۴۰) «إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ» (لیل: ۴)، بعضی از سعی شما موجب رستگاری و بعضی دیگر سبب هلاکت است. «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَ اتَّقَىٰ» (لیل: ۵) رستگار است «وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَىٰ» (لیل: ۸) اما کسی که خود را بی نیاز دید و کلمه توحید را تکذیب نمود، داخل در جهنم خواهد شد. (حسینی‌شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ص ۲۳۷) آیات زیادی در قرآن هستند که روز قیامت را تشریح می‌کنند. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که از میلیاردها سال پیش (از زمانی که بوجود آمده است) در حال انبساط است. (پادمانابان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰) هم بوجود آمدن عالم (big bang) و هم انبساط آن در قرآن توصیف شده است: «وَ

السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات: ۴۷) آیات قرآن می‌گویند که عالم برای همیشه منبسط نمی‌شود بلکه در زمانی که روز قیامت است این انبساط متوقف می‌شود و عالم شروع به انقباض خواهد کرد. همانند بعضی از نظریه‌های کیهان‌شناسی بنظر می‌رسد که با انقباض عالم زمان و گرانش نیز معکوس می‌شوند. زمان معکوس باعث رستاخیز از قبرها می‌شود. در این دنیایی که به عقب برمی‌گردد ما دوباره همه اعمال خوب و بدمان را که در زندگی‌مان انجام دادیم خواهیم دید. گرانش معکوس ساختار زمین را تغییر می‌دهد به طوری که زمین هرچه در درون دارد را به بیرون می‌ریزد و تبدیل به یک توپ بزرگ توخالی می‌شود. این حادثه در بسیاری از آیات قرآن از جمله سوره تکویر به روشنی توصیف شده است. گرانش معکوس باعث زلزله عظیمی می‌شود که در قرآن به آن اشاره شده است.

در زندگی دنیا امکان احقاق حق به طور کامل، وجود ندارد؛ از آنچه گفته شد می‌توان دریافت، کسی که نظام خلقت الهی را عادلانه می‌بیند و خداوند را به دور از ظلم می‌شناسد، جز این باور ندارد که حتماً به دنبال این دنیا برنامه دیگری است و خدای متعال برای انسان صحنه حساب و کتابی فراهم می‌سازد تا قضاوتی عادلانه صورت پذیرد و این دلیلی است محکم بر اثبات معاد.

اعتقاد به محاسبه عادلانه در جهان آخرت، سبب می‌شود که انسان خود را در انجام کارها آزاد مطلق نبیند و تقوا پیشه کند. باور به معاد ضمن تولید تقوا و پرهیزکاری، آن را در جامعه نهادینه می‌کند. فرد و جامعه‌ای که به لباس تقوا آراسته شود، گرد ناپاکی و مخالفت با ارزش‌های الهی و انسانی را از خود می‌زداید، زیرا تقوا زینده‌ترین لباس برای تعالی بخشی به فرد و جامعه است. علاوه بر این، هم کرامت حقیقی انسان در گرو تقواست و هم راه خروج از بن‌بست‌ها تقوا می‌باشد و تشخیص حق از باطل در گرو آن است. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۴۱)

۳-۱-۵- نبوت

در گام بعدی به اثبات حقانیت دعوت‌کننده به توحید پرداخته است تا هرگونه شبهه در مورد وحیانی بودن دعوت الهی را از میان بردارد. آیات قرآن در زمینه قرائنی که نبوت انبیاء الهی را ثابت می‌کنند، تعبیرات جالبی دارد، گاه به وصف صاحب این مقام پرداخته و آن را شاهدهی بر حقانیتش ذکر می‌کند، گاه به عظمت محتوای دعوت اشاره می‌کند، گاهی به گواهی پیامبران پیشین اشاره می‌کند و گاهی به بیان وظایف نبی^(ص) می‌پردازد.

در سوره قلم از مقام نبوت به عنوان نعمت الهی که به پیامبر اکرم^(ص) ارزانی شده است یاد نموده: «مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ» (قلم: ۲) (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۰۸) سپس با وصف پیامبر^(ص) به اثبات حقانیت دعوت وی پرداخته است «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) این آیه

اخلاق پسندیده اجتماعی ایشان را در نظر دارد (استواری بر حق، صبر، عفو و اغماض، سخاوت، مدارا، تواضع و...) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۶۹)

قرآن اشاره می‌کند که پیامبران الهی هرگز اجر و مزدی نمی‌خواستند در حالی که یک مدعی دروغین حتماً به خاطر امور مادی دست به چنین کاری می‌زند. در سوره قلم خداوند با استفهام انکاری به این مساله پرداخته است: «أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ» (قلم: ۴۶) پیامبر^(ص) از شما در برابر دعوتش اجر و مزدی طلب نکرده است که این غرامت سنگین علت ایمان نیابردن شما باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۸۶) در ادامه در سوره مزمل نتیجه توحید عبادی را مقدمه ارتباط با خدای متعال معرفی می‌کند و دریافت وحی را مهر تاییدی بر نبوت پیامبر اسلام^(ص) می‌داند «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نَضْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» (مزمل: ۲ الی ۴) (توحید عبادی) «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (مزمل: ۵) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۶۶)

سپس با تشبیه رسالت پیامبر اسلام^(ص) و عدم پذیرش مشرکان به رسالت حضرت موسی^(ع) و عدم پذیرش فرعون و عاقبت نافرمانی وی، به تصدیق نبوت پیامبر پرداخته است (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۶۷) «إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا» (مزمل: ۱۵)

محور آیات ابتدائی سوره مدثر دعوت پیامبر^(ص) به قیام و انذار آشکار و استقامت در این طریق، و تحصیل آمادگی‌های لازم برای این کار است. در این آیات خداوند پیامبر^(ص) را امر به انذار (مدثر: ۱ و ۲) و دعوت مردم به حق نموده و با امر به توحید عبادی (مدثر: ۳) و بیان دستورات دینی ایشان را از منت گذاردن بر مردم به علت انجام وظایف رسالت منع نموده است. (مدثر: ۷-۴) در سوره اعلیٰ نیز این مساله را بیان نموده و پیامبر^(ص) را امر به تذکر دادن کرده است (اعلیٰ: ۹ الی ۱۱) تا گروه مومنان و کفار مشخص گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۶۹)

در انتهای سوره مدثر آیات ۵۰ الی ۵۵ به بیان احوال کفار و بهانه جویی‌های آن‌ها در هنگام شنیدن آیات الهی از رسول خدا^(ص) پرداخته و با ردّ بهانه‌های ایشان، قرآن را برای تذکر و اندرز به ایشان کافی دانسته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۰۰)

در آیه ۲۳ سوره تکویر برای تاکید بر حقانیت نبوت آن حضرت^(ص) به بیان ارتباط جبرئیل با پیامبر اکرم^(ص) پرداخته و ایشان را در دریافت و ابلاغ وحی معصوم دانسته (تکویر: ۲۴ و ۲۵). در ادامه در سوره اعلیٰ آیات ۶ الی ۸ به وصف کیفیت وحی به پیامبر پرداخته است و تاکید می‌کند بر اینکه خداوند همواره حافظ قرآن است و ملاک تبلیغ رسالت و وحی همواره قرآن است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۱۸ و ۲۶۶) در انتهای سوره اعلیٰ آیات ۱۸ و ۱۹ اشاره می‌کند که محتوای دعوت پیامبر اسلام^(ص) در کتب آسمانی پیامبران گذشته نیز آمده است اینگونه شریعت پیامبر^(ص) را مورد تأیید پیامبران گذشته نیز می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۷۰)

۳-۱-۶- رد عقاید خرافی مشرکین

تربیت مقوله‌ای مهم در بحث انسان سازی و به فعلیت رساندن استعداد های انسان است، لذا برای قرار گرفتن در مسیر کمال، لازم است به ابعاد مختلف تربیت توجه شود. در تربیت علاوه

بر عوامل فردی (شناخت‌ها، بینش‌ها و...)، عوامل اجتماعی نیز دخیل هستند. فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌پذیری افراد، رسالت مهم انبیا و ادیان الهی را تشکیل می‌دهد. از جهت اجتماعی، عقاید و ارزش‌ها اهمیت خاصی دارد، زیرا روح جامعه مظهر وجدان جمعی است، لذا پرورش آن به منزله حفاظت از وجدان جمعی است. یکی از موضوعاتی که باعث تضعیف امنیت اعتقادی و اخلاقی جامعه انسانی می‌شد اعتقاد به خرافات بود که در قرآن کریم به صورت جدی مورد مبارزه قرار گرفته است.

مهم‌ترین محور مبارزه با خرافات، مبارزه با عقاید باطل، انحرافی، سخیف و رفتارهای غیرعقلانی و مضر به حال اجتماع بوده است. خرافه: در لغت به معنای سخنان بیهوده، عقاید بی‌بنیان و مطالب موهوم است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۹۶۴) این لغت اعم از واژه اسطوره است؛ چون اساطیر به معنای افسانه‌هایی است که واقعیت ندارد، چنان‌که در قرآن نیز این واژه به همین معنا به کار رفته است (انفال: ۳۱؛ انعام: ۲۵؛ مؤمنون: ۸۳) بنابراین، خرافات عبارت است از: عقاید باطل و بی‌اساس یا عمل نامعقول که به کلی خلاف منطق و واقعیات است (نوری، ۱۳۵۷، ص ۴۸۰) عقب‌ماندگی از جهات مختلف، رکود، بی‌هویتی، انحرافات اخلاقی و عقیدتی، شرک به خدا، غفلت و... از محصولات و دستاوردهای ابتلای به خرافات و افسانه‌های بی‌اساس می‌باشد.

قرآن کریم در بستر زمانی و مکانی، شرایط و اوضاع و احوال جاهلیت عربستان فرو فرستاده شد و نمی‌توانست پیام خود را بدون توجه به آنچه بر مردم می‌گذشت ابلاغ کند. اعراب معاصر پیامبر^(ص) عمدتاً بت‌پرست بودند. بعضی شاعران عرب بزعم خود جَنّی داشتند که شعرها را در خاطر آنها قرار می‌داد. از تهمت‌های مشرکان به پیامبر^(ص) همین امر بود که محمد را جَنّی است که به او تعلیم می‌دهد (مجنون) و این سخنان (آیات قرآن) را می‌آورد. (شهیدی، ۱۳۹۶، ص ۳۰) مشرکان هنگام نزول قرآن کریم اتهاماتی به پیامبر^(ص) وارد کردند که شایع‌ترین آن‌ها، اتهام جنون به پیامبر^(ص) است که قرآن بیش از سایر اتهام‌ها بدان پرداخته است. در جامعه جاهلی، باور به جن در تمامی شوون زندگی عمیقاً ریشه دوانده بود. بررسی سایر اتهامات مشرکان مانند کفانت، ساحری و شاعری نیز نشان می‌دهد که تمامی اتهامات، ارتباطی تنگاتنگ با باور مردمان عصر نزول نسبت به جن دارد (زینی، ۱۳۹۰، ص ۴۲-۱۵۶).

قرآن کریم نسبت به این تهمت حساسیت ویژه‌ای نشان داده است بابررسی ده سوره نخست نازل شده در سوره قلم، مدثر و تکویر، رد صریح این تهمت قابل مشاهده است. قرآن با دو دلیل این تهمت را رد نموده است:

۳-۱-۶-۱- مقام و اخلاق نبوت

در سوره قلم «مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ» (قلم: ۲) مراد از نعمت، نبوت است و دلیل نبوت هرگونه اختلال عقلی را از پیامبر دور می‌کند تا هدایت الهی که در نظام حیات انسان لازم است، مستقیم و بدون مشکل باشد. از سوی دیگر، خداوند به رسولش می‌فرماید: تو بر خلق عظیمی

هستی (قلم: ۴). خُلِقَ، ملکه‌ای نفسانی است که به سبب آن کارها به راحتی انجام می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۶۹)

یکی دیگر از تهمت‌های مشرکین (ولید بن مغیره) به آیات قرآن افسانه خواندن آیات قرآن است «اِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (قلم: ۱۵) این‌ها افسانگان گذشته است که هیچ اصلی ندارد و سحری است که به هیچیک از آنها معتقد نیستیم. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۱۳۳) خداوند برای رد عقیده کفار به تهدید و تشبیه عذاب آنها به داستان صاحبان باغی که به مال دل بستند و از خدا غافل گشتند و از فقرا دریغ کردند و باغشان نابود شد پرداخته است. نتیجه تکذیب پیامبر^(ص) و تهمت زدن به وی خواری و عذاب در آخرت است. «إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...» (قلم: ۲۰ الی ۳۶) آیات مورد بحث تا هفده آیه، تکذیب‌گران نبوت رسول خدا^(ص) را که به آن جناب تهمت جنون می‌زدند تهدید می‌کند.

۳-۶-۲- دوم: حقانیت پیام و تصدیق کتب آسمانی گذشته

بزرگ‌ترین دلیل برحقانیت پیامبر^(ص)، حقانیت و صحیح بودن پیامی است که آورده است. چگونه یک دیوانه می‌تواند پیامی بیاورد که برحق و به دور از باطل و گمراهی باشد. در سوره قلم می‌فرماید: «وَيَقُولُونَ إِنَّمَا لَمْجُنُونٌ وَ مَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (قلم: ۵۱) نسبت دیوانگی به آن جناب دادن در هنگامی که قرآن را از او می‌شنوند، خود دلیل بر این است که می‌خواسته‌اند بگویند قرآن از القائنات شیطان‌ها و جن است، و به همین جهت خدای تعالی وقتی می‌خواهد پاسخشان بدهد، می‌فرماید: قرآن به جز یادآوری توحید الهی و معارف مربوط به آن چون معاد و نبوت و... برای عالمیان نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۱۸۱) در سوره تکویر نیز قرآن را توصیف می‌کند به این‌که القائنات ربانی است که فرشته وحی به پیامبر^(ص) القاء کرده، بنابراین به ادعای مشرکان از القائنات شیطانی نیست، و رسول خدا^(ص) دیوانه (جن زده) نیست، «وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ» (تکویر: ۲۲) و مجدداً تأکید می‌کند بر حقانیت و ذکر بودن قرآن «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (تکویر: ۲۷) در سوره مدثر نیز به این عقیده مشرکان اشاره نموده است که دچار تشویش شده و قرآن را گاهی صادر شده از فردی مجنون، گاهی سحر و گاهی آن را گفتار خود پیامبر^(ص) می‌دانستند: «إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَىٰ إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ» (مدثر: ۲۴ و ۲۵) در این سوره نیز خداوند به تهدید مشرکان پرداخته و علم اهل کتاب که از تورات و انجیل گرفته شده است را شاهد بر حقانیت و حتمی بودن عذاب خود بر منکرین پیامبر^(ص) و قرآن گرفته است (مدثر: ۳۱)

قرآن کریم هرگونه بت‌پرستی را نکوهش کرده و ضمن تأکید بر اینکه بتها هیچگونه تأثیری در کارهای عالم ندارند، خاستگاه بت‌پرستی را جهل و پیروی از پندار و هوای نفس می‌داند. گمان بت‌پرستان بر این بود که بت‌ها، برای آن‌ها منافع دارند، از جمله اینکه بت‌ها نزد خدا تقرّب دارند و در امور دنیوی، آن‌ها را شفاعت می‌کنند (یونس: ۱۸) همچنین بت‌ها سبب عزّت

آن‌ها شده، با این وسیله نزد حق تعالی ارجمند شده و مقام والایی به دست می‌آورند. (بانو امین، ۱۳۶۱، ج ۸، ص ۱۴۵)

خداوند در آیه ۴۱ سوره قلم در ادامه تهدیدات، به انکار آلهه می‌پردازد و مشرکان را به تفکر وا می‌دارد، با استفهام انکاری معبود بودن بت‌ها، شراکتشان در ربوبیت شفاعت رد می‌کند، «يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَ يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتِطِيعُونَ... وَ هُمْ سَالِمُونَ» (قلم: ۴۲ و ۴۳) در این چند آیه معترضه، شریک داشتن خدا و شفاعت کردن این شرکای خیالی را رد نموده و تنها راه احراز سعادت در دنیا و آخرت را خاضع شدن برای خدای سبحان و پذیرش یگانگی او در ربوبیت معرفی می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۷۶)

از آنجایی که خرافات از عناصر فرهنگی جدانشدنی جوامع انسانی است، قرآن کریم از همان ابتدای نزول خود، باورها و رفتارهای خرافی را برناتافته است. یک دلیل بروز خرافات نقد نشدن عقاید است. اصولاً در حوزه اعتقادات، هر نظام فکری باید از مساله عقل آغاز شود، در زمینه تشخیص عقیده صحیح از باطل نیز این عقل است که به کمک انسان می‌آید و مرز میان حقیقت و خرافه را معین می‌کند. به همین دلیل به نظر می‌رسد که محور طرح قرآن در عقاید دعوت به تدبر و تفکر باشد. قرآن برای بیان عقاید و نهادینه کردن توحید با استفاده از توییح و استفهام انکاری به ردّ عقاید خرافی پرداخته و بدینگونه در طرح عقاید و تصحیح و تثبیت آن مخاطبان خود را دعوت به تفکر و تدبر نموده است.

۴- روش انگیزشی

واژه انگیزش مفهوم گسترده‌ای دارد که عوامل مؤثر در انرژی و هدایت رفتار آدمی را توصیف می‌کند. این واژه مفاهیم چندین واژه توصیفی دیگر همچون نیازها، علایق، ارزش‌ها، گرایش‌ها، اشتیاق‌ها و مشوق‌ها را در بر می‌گیرد. (نیت، گیج و دیوید، برلایز، ۱۳۷۴، ص ۴۷۰) به لحاظ پرورشی، انگیزش هم هدف است و هم وسیله. (سیف، ۱۳۸۵، ص ۳۴۸) انسان دارای ابعاد روحانی و جسمانی و روحیه انعطاف پذیر است که در هر شرایطی به اقتضای محیط اجتماعی تغییراتی در رفتار و کردار وی پدید می‌آید. بنابراین در تعلیم و تربیت، امر تشویق و تنبیه یا پاداش و کیفر به عنوان یکی از عوامل و محرک‌های مهم تلقی می‌شود.

۴-۱- تهدید

انسان به طور طبیعی از پاداش لذت می‌برد و از تنبیه روی گردان است. همین گرایش فطری سبب ترغیب انسان به انجام کارهای خوب و خودداری از کارهای بد می‌شود. قرآن کریم از هر دوی این ابزار استفاده کرده است. اگر کسانی باینکه خداوند وسایل ابتدایی هدایت؛ مانند فطرت و روحیه حقیقت‌جویی و حقیقت‌خواهی را به آنان داده بود و بعد از دیدن همه معجزات الهی و اتمام حجت، ایمان نیاورده و در صدد اذیت پیامبر^(ص) و مؤمنان برآمدند، و در راه رشد اسلام مانع تراشی می‌کردند، هشدار داده و آنان را تهدید به عذاب الهی کرده است. از آنجا که در ابتدای

بعثت و نزول قرآن مردم مکه غالباً کافر بوده و برخورد تند و مقاومی در برابر دعوت پیامبر^(ص) به توحید داشتند؛ قرآن نیز از همین سلاح در مقابل ایشان استفاده کرده است. بنابراین در سوره‌های مکی وعید و تهدید بیشتر از بشارت و نرمی مشاهده می‌شود و این نشان از قدرتمندی قرآن است.

۱-۱-۴- بیان عاقبت مکذبین

در سوره علق خداوند به دنبال بیان وجود مخالفت‌هایی که با جریان توحید خواهد شد، نمونه‌ای از رفتارهای انسان طاغی (ابوجهل) را به پیامبر^(ص) یادآور می‌شود. (علق ۹/ الی ۱۲) بازداشتن مردم و ایجاد مانع بر سر راه بندگی و هدایت مردم طغیان علیه خداوند است. چنین شخصی چون خود را بی نیاز از خدا دانسته، راه طغیان را در پیش گفته است. در ادامه آیات چنین افرادی را تهدید به مرگ و بعث می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ» (علق: ۸) ترسیم چگونگی عذاب مکذبین در آیات ۱۵ الی ۱۸ سوره علق نشان می‌دهد که جرم طغیانگری و خوار دیدن جریان بندگی، انسان را در مسیری می‌اندازد که منجر به عذاب خوارکننده (نابودی مکذبین) می‌شود. (بهجت پور، ۱۷۸، ۱۳۹۰-۱۶۴) در سوره قلم پس از وصف ثروتمندان و صاحبان قدرت که پیامبر^(ص) را تحت فشار تهمتهای خود قرار داده بودند، به تهدید آنها پرداخته و مثل آنان را مثل صاحبان باغی دانسته که تصمیم بر منع فقرا از محصول باغ خود داشتند اما باغشان را نابود یافتند. سپس فرمود: «كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (قلم: ۳۳) عذاب دنیوی متوجه مال و دارایی شخص بود؛ اما عذاب اخروی متوجه خود اشخاص است و کوبندگی آن در قیامت بیشتر است. (بهجت پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۱۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۸۴) در سوره زمزل خداوند در ادامه تهدیدات خود نسبت به صاحبان قدرت و مکت، انکار دعوت الهی از ناحیه آنان را کفران نعمت تلقی می‌کند و جزای آنرا تبدیل نعمت به نقمت قرار می‌دهد: «وَدَّرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي الْأَلْأَمَّةِ وَمَهْلُهُمْ قَلِيلًا» (مزم: ۱۱) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۶۷) در سوره مدثر به تهدید ولیدبن مغیره پرداخته که به پیامبر^(ص) تهمت ساحر بودن زد «دَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا» (مدثر: ۱۱). سپس به بیان نعمت‌هایی که به وی ارزانی داشته بود (مدثر: ۱۲ و ۱۳) و طمع بیشتر او برای مال و مکت پرداخته، آیه بعد با شدت تمام دست رد به سینه این نامحرم می‌گذارد «كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا» (مدثر: ۱۶) او با علم به الهی بودن قرآن، آن را سحر و پیامبر^(ص) را ساحر خواند. بالاخره به سرنوشت دردناک او با عبارتی کوتاه و پرمعنی اشاره کرده، «سَأَرْهَقُهُ سُجُودًا» (مدثر: ۱۷) وی را از قله صعب العبور زندگی بالا برده سپس به زیر می‌کشیم. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۳۸۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۲۳۱) در ادامه به وصف عذاب وی در قیامت پرداخته است: «سَأُصَلِّيهِ سَقَرَ وَمَا دَرَاكٌ مَأْسُرًا لِأَتَّبِقَىٰ وَلَا تَدْرُ لَوَاحَةً لِّلْبَشَرِ» (مدثر: ۲۶ الی ۲۹) شدت عذاب او از دایره تصور بیرون است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۲۳۳) سوره مسد به منظور تسلی دادن به پیامبر^(ص) و اعلام عذاب قطعی و شدید دو تن از کفار است که ایشان را مورد آزار فراوان قرار می‌دادند و رسالتش را تکذیب می‌کردند. این سوره تهدید شدیدی است به ابولهب، به هلاکت خودش، عملش و همسرش. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۸۴) در سوره اعلیٰ آیات ۱۱ الی ۱۳ و سوره لیل آیات ۱۴ و ۱۵ به بیان عاقبت و وصف حال افرادی

پرداخته که از آیات الهی دوری گزیده و رسالت پیامبر^(ص) را منکر شده‌اند: «وَيَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى...» (اعلی: ۱۱ الی ۱۳) چنین افرادی که هیچ ترسی از عذاب خدا نداشته باشند از توای پیامبر^(ص) دور می‌گردند، جایگاهشان جهنم است و نجات پیدا نمی‌کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۶۹)

۲-۱-۴- وصف روز قیامت

در ادامه تهدیدات به وصف روز قیامت پرداخته و به شدت و سختی آن روز اشاره کرده است: «يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» (قلم: ۴۲) «يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا» (مزم: ۱۷) «فَذَلِكِ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرِيسِيرٍ» (مدثر: ۹، ۱۰) و گاه وقایع روز قیامت را بیان نموده است: «يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلاً السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ» (مزم: ۱۴، ۱۸) وصف روز قیامت در تأثیر تهدید بر گروه مشرکین و تسلی پیامبر^(ص) نقش مهمی دارد و از نظر علمی برای اهل تفکر و تدبیر در آیات نشان حقانیت می‌باشد. (بهجت پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۵۵) در ادامه بیان اوصاف روز قیامت در سوره مدثر می‌فرماید: «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ» (مدثر: ۸) «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًا دَكًا... وَ جَاءَ يَوْمٌ يُؤْمِتُ الْبَهْتَمَ يَوْمٌ مِّنْ دُونِ الْيَوْمِ الَّذِي كُنْتُمْ تُكْفِرُونَ» (فجر: ۲۰ الی ۲۳) انسان در آن روز به روشن‌ترین وجه متذکر می‌شود اما دیگر سودی برایش ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۸۴)

۳-۱-۴- ترسیم حال کفار در عالم آخرت

روش دیگری که خداوند در این سوره‌ها برای تهدید کفار در پیش گرفته است، ترسیم حال ایشان در روز قیامت و عالم آخرت می‌باشد: «وَاذْعَبُوا إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَبِيحُونَ» (قلم: ۴۲) هنگام روشن شدن حقایق، سعی می‌کنند سجده کنند اما به علت تکبر دنیوی و عدم کسب ملکه خضوع، روز قیامت که روز کشف باطن است نمی‌توانند خاضع شوند. «خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُفُهُمْ ذُلُّهُ» (قلم: ۴۳) گرد شکست تمام وجودشان را فرا می‌گیرد. «وَقَدْ كَانُوا يَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ وَ هُمْ سَالِمُونَ» (قلم: ۴۳) آن زمان که فرصت و تمکن داشتند به دعوت انبیا توجهی نکردند. (بهجت پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۸۵) در سوره مدثر آیه ۴۰ الی ۴۷ گفتگوی بین مومنان و مشرکان در روز قیامت را به تصویر کشیده است: «فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ... كُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّىٰ أَنَا الْيَقِينِ» (مدثر: ۴۰ الی ۴۷) امور چهار گانه نماز، زکات، ترک مجالس اهل باطل و ایمان به قیامت اهمیت و نقش فوق‌العاده‌ای در هدایت و تربیت انسان دارد، و به این ترتیب جهنم جای نمازگزاران واقعی و زکات دهندگان، و تارکان باطل، و مؤمنان به قیامت نیست. این امور چهارگانه از توحید شروع می‌شود و به معاد پایان می‌پذیرد، و ارتباط انسان را با خالق و خلق و خویشتن دربر می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۲۵۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۹۷) مشرک با دیدن حقایق روز قیامت پشیمان است و حسرت می‌خورد. «يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ وَلَا يُوثِقُ وِثْقَهُ أَحَدٌ» (فجر: ۲۴ الی ۲۶) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۸۵)

۴-۱-۴- بیان عاقبت مکذبین از اقوام گذشته

گاه به یادآوری صاحبان ثروت و قدرتی که به دلیل گسترش طغیان و فسادشان نابود شدند پرداخته است، چنانکه در سوره مزمل به سرنوشت فرعون و عذابی که وی را فرا گرفت در نتیجه تکذیبش اشاره نموده است. «فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً» (مزمل: ۱۶) قدرت کفار معاصر پیامبر^(ص) قابل قیاس با قدرت فرعون نیست و سنت خدا در حمایت از رسولش^(ص) تغییری نکرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۶۷) «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ... وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ... وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ... فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ» (فجر: ۶ الی ۱۳) در این آیات به چند قوم نیرومند از اقوام پیشین که هر کدام برای خود قدرتی عظیم داشتند، اما با غرور راه طغیان را پیش گرفتند اشاره می‌کند، و سرنوشت دردناک آنها را روشن می‌سازد، تا مشرکان معاصر پیامبر^(ص) که از آنها بسیار ضعیف‌تر بودند حساب خود را برسند، و متذکر شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۴۵۶)

خداوند، انسان‌ها را در مورد پذیرش اصل دین اسلام نه تنها تهدید نکرده است، بلکه از اجبار کردن مردم به دینداری نیز خودداری کرده است. (بقره/۲۵۶) از آنجا که دو ابزار مهم تربیتی برای همه نسلها و عصرها تهدید و تشویق است، قرآن از هر دوی این ابزار، هم برای مؤمنان و هم برای غیرمؤمنان استفاده کرده است. قرآن کریم نسبت به کسانی که بعد از دیدن همه معجزات الهی و اتمام حجت، ایمان نیاورده و در صدد آزار و اذیت پیامبر^(ص) و مؤمنان برآمدند و دین آنها را مسخره کرده و در راه رشد اسلام به شدت مانع تراشی می‌کردند، و هرگز توبه نکردند، هشدار داده و آنان را به شدت تهدید به عذاب الهی کرده است.

۴-۲- بشارت

ابزار مهم انگیزشی دیگر برای تربیت انسان که قرآن از آن استفاده نموده، تشویق و ترغیب مردم می‌باشد. در سایه تشویق می‌توان فرد را به کارهای مطلوب واداشت و با در نظر گرفتن پاداش اراده و عزم او را تقویت کرد. در سوره قلم به متقین که عبودیت را منحصر در خداوند می‌دانستند بشارت بهشت پر نعمت به آنها داده شده است. این نشان دهنده رابطه بین تدبیر و رحمت الهی است «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ» (قلم: ۳۴) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۸۰) در سوره تکویر در بیان وقایع روز قیامت یکی از وقایع را نزدیک شدن بهشت به مومنان جهت داخل شدن به آن معرفی می‌کند: «وَ إِذَا الْجَنَّةُ أُرْلِقَتْ» (تکویر: ۱۳) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۷۵) در سوره لیل به بیان برخی از دلایل اعطای چنین نعمتی به مومنان پرداخته است: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» (لیل: ۵ الی ۷) «وَ سَيَجْعَلُهَا الْأَنْفَى الَّذِي يُوْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ... إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى وَ لَسَوْفَ يَرْضَى» (لیل: ۱۷ الی ۲۱) افرادی که از داشته‌های خود (مالی و غیر مالی) در راه خدا برای آسان کردن زندگی دیگران استفاده می‌کنند؛ و در زندگی خود ضابطه دارند و پیرو شریعت و دستورات الهی هستند از آنجا که فطرت بیداری دارد، نیکی‌ها را تصدیق می‌کند. بنابراین خدا او را مهبای آسانی (شریعت، راه راست، بهشت) می‌کند. (بهجت پور، ۱۳۹۰،

ج ۱، ص ۳۹۲) در سوره فجر خطاب به فردی که با علاقه در طریق بندگی خدا قرار گرفته است بشارت می‌دهد: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي» (فجر: ۲۷-۳۰)

۵- نتیجه‌گیری

تحول و تغییر فرهنگی همه جانبه آنگاه اتفاق می‌افتد که آموزه‌های یک مکتب یا برنامه فرهنگی، بخشی از هویت و شخصیت فرد و جامعه گردد. این مهم در پرتو تربیت حاصل می‌گردد. قرآن کریم در برهه‌ای از تاریخ و در مکانی نازل گشت که اکثریت جامعه را مردمی به دور از تمدن، گرفتار جهل، شرک و خرافات تشکیل می‌دادند و دچار انحراف در شناخت انسان، خدا و جهان هستی بودند. آنچه که با بررسی ده سوره نخست نازل شده به دست آمد و در واقع جنبه نوآوری این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌های با این موضوع می‌باشد این است که قرآن برای تربیت توحیدی انسان با وی همگام شده است و ابتدا بر نقاط ضعف انسان همچون پست و بی ارزش بودن ماده اولیه خلقت وی و جهل و نادانی وی دست گذاشته است تا بدینگونه انسان زندگی خود را با مدد اسم ربّ شروع نماید. روش قرآن در تربیت انسان با توجه به ده سوره آغاز نزول، ابتدا اعطای بینش و جهان بینی توحیدی است. به این منظور با استفاده از روش استدلال عقلی ابتدا به اثبات ربوبیت الهی به مدد توحید خالقیت و توجه دادن به صفات خود پرداخته و توحید عبادی را از این استدلال نتیجه گرفته است. قرآن با معرفی مهم‌ترین اصل ارزشی خود (توحید عبادی) توحید را نه یک امر فردی بلکه یک امر اجتماعی معرفی کرده و دستور به تشکیل جامعه توحیدی داده است. قرآن در ادامه روش استدلال عقلی با برهان حکمت و برهان عدالت به اثبات معاد پرداخته و در گام بعدی به اثبات حقانیت پیام‌رسان و دعوت کننده به توحید پرداخته تا هرگونه شبهه در مورد وحیانی بودن دعوت الهی را از میان بردارد (نبوت). سپس به برخی عقاید خرافی مشرکان اشاره نموده و به رد آنها پرداخته است. قرآن پس از اعطای تئوری شناختی و جهان بینی توحیدی با استفاده از روش انگیزشی و با استفاده از دو ابزار تهدید و بشارت به تربیت انسان پرداخته است. از آنجا که اهل مکه در ابتدای نزول قرآن، اهل عناد، لجاج و مقاومت در برابر حق بودند لذا روش انگیزشی تهدید و لحن تند در سوره‌های ابتدایی نزول قرآن بیشتر به چشم می‌خورد. قرآن برای تهدید مشرکان در ده سوره نخست نازل شده، به بیان عاقبت تکذیب کنندگان، وصف وقایع روز قیامت، ترسیم حال کفار در آخرت و بیان عاقبت مکذبین از اقوام گذشته پرداخته است.

منابع

- ابن اثیر، مبارک، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، مصحح: زاوی طاهر احمد، چاپ ۴، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷
- ابن منظور، محمد، لسان العرب، چاپ ۳، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۵
- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، مصحح: مصطفی سقا، ابراهیم ایبیری، عبدالحفیظ شلبی، چاپ ۲، قاهره، مطبعه الباب الحلبی، ۱۳۷۵
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ ۲۱، تهران، مدرسه، ۱۳۸۹
- بانو امین، سیده عصمت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، چاپ اول، اصفهان، گلپهار، ۱۳۶۹
- بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم، موسسه بعثت، ۱۴۲۰
- بهجت پور، عبدالکریم، روش طرح توحید در قرآن، فصلنامه قبسات، شماره ۱۵، ۱۳۸۹
- بهجت پور، عبدالکریم، روش طرح مفهوم ربوبیت در قرآن، فصلنامه پرتو وحی، دوره دو شماره ۱، ۱۳۹۴
- بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی، چاپ اول، قم، موسسه تمهید، ۱۳۹۰
- بیضاوی، عبدالله، انوار التنزیل و اسرار التاویل، تحقیق: محمد عبدالرحمان المرعشلی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸
- پادمانابان، تانو، پس از نخستین سه دقیقه، مترجم: محسن شادمهری، فاضله خواجه نبی، چاپ ۵، تهران، ققنوس، ۱۳۸۹
- توشیهیکو، ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، تهران، مترجم: احمد آرام، چاپ ۱۲، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۸
- جواد آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، مصحح: سید حسین شفیعی، چاپ ۲، قم، اسراء، ۱۳۷۸
- جواد آملی، عبدالله، توحید در قرآن، مصحح: سید حسین شفیعی، چاپ ۴، قم، اسراء، ۱۳۸۸
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، چاپ اول، تهران، میقات، ۱۳۶۳
- حسینی کوهساری، سید اسحاق، کاربرد توحید ربوبی در تربیت انسان از منظر قرآن، فصلنامه تحقیقات کلامی، شماره ۱۴، ۱۳۹۵
- دهخدا، علی اکبر، آیت الله زاده شیرازی، سید مرتضی، معین، محمد، شهیدی، سید جعفر، فرهنگ دهخدا، مصحح: حمید حسینی، چاپ ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، چاپ اول، بیروت، دار العلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲
- سبحانی، جعفر، منشور جاوید، چاپ اول، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳
- سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی نوین، چاپ ۱۶، تهران، آگاه، ۱۳۸۵
- قطب، سید، نشانه های راه، مترجم: مصطفی خرم دل، چاپ اول، تهران، احسان، ۱۳۸۷
- شبر، عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، چاپ اول، بیروت، دار البلاغه للطباعه والنشر، ۱۴۱۲
- شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، چاپ ۹، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷

- طباطبایی، محمدحسین، شیعه در اسلام، چاپ ۲۲، قم، اسلامی، ۱۳۷۸
- طبرسی، فضل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجواد بلاغی، چاپ ۳، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲
- طوسی، محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۳۸۸
- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ ۲، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸
- عسکری، مرتضی، نقش ائمه در احیای دین، چاپ اول، تهران، منیر، ۱۳۸۲
- فاکهی، محمد، أخبار مکه فی قدیم الدهر وحديثه، چاپ ۲، بیروت، دارخضر، ۱۴۱۴
- فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، چاپ ۲، بیروت، دارالملک للطباعه و النشر، ۱۴۱۹
- فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیرالصافی، تحقیق: حسین اعلمی، چاپ ۲، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵
- قرآتی، محسن، تفسیر نور، چاپ ۱۱، تهران، درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷
- کلبی، هشام، الاصل، محقق: احمدزکی صفوت، چاپ ۴، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۳۲
- گنابادی، سلطان محمد، بیان السعاده فی مقامات العباده، چاپ ۲، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸
- مرتضی زبیدی، محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، مصحح: علی شیری، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴
- مطهری، مرتضی، زندگی جاوید، چاپ ۳، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳
- مطهری، مرتضی، جهان بینی توحیدی، چاپ ۱۰، تهران، بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری، ۱۳۸۵
- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، چاپ ۴۹، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۶
- معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، چاپ ۴، قم، تمهید، ۱۳۸۱
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴
- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه، چاپ اول، قم، نسل جوان، ۱۳۸۵
- نوری، یحیی، اسلام و عقاید و آراء بشری، چاپ اول، تهران، مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۵۷
- نیت گیج و دیوید، برلاینر، روانشناسی تربیتی، مترجم غلامرضا خوی نژاد، فصلنامه مریبان، شماره ۱۶، ۱۳۷۴

